فهرست مطالب

[موضوع: فقه / نکاح / مقدمات 2](#_Toc20784180)

[اشاره 2](#_Toc20784181)

[ادامه مقدمه چهارم 2](#_Toc20784182)

[سطح دهم: اختصاصات مذکر و مؤنث 2](#_Toc20784183)

[سطح یازدهم: فقه العقوبات الجنسیه 4](#_Toc20784184)

[جمع‌بندی مقدمه چهارم 4](#_Toc20784185)

[طبقه‌بندی پیشنهادی برای سطوح یازده‌گانه 4](#_Toc20784186)

[خلاصه 6](#_Toc20784187)

[مقدمه پنجم 6](#_Toc20784188)

[نکات محوری در مقدمه پنجم 7](#_Toc20784189)

[نکته اول 7](#_Toc20784190)

[نکته دوم: نهضت‌های اصلی مباحث جنسیتی 8](#_Toc20784191)

[محور اوّل: فمینیسم 8](#_Toc20784192)

[محور دوم: هم‌جنس‌گرایی 9](#_Toc20784193)

[نکته سوم 9](#_Toc20784194)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح / مقدمات

## اشاره

در ارتباط با مباحث نکاح و آنچه که پیرامون آن وجود دارد به 9 سطح از مسائل اشاره شد که در این جلسه و در ادامه مقدمه چهارم چند مورد دیگر نیز به آن اضافه شده و نکاتی نیز در جمع‌بندی عرض خواهد شد و سپس وارد مقدمه پنجم خواهیم شد.

## ادامه مقدمه چهارم

### سطح دهم: اختصاصات مذکر و مؤنث

همان‌طور که عرض شد در امتداد مباحث قبلی که عمدتاً 9 سطح از آن ذکر شد چند محور دیگر وجود دارد که محور دهم آن عبارت است از اختصاصات زن و مرد که خارج از بحث روابط است بلکه احکام خاصه‌ای است که زن یا مرد در مسائل فردی دارد و این سطح دیگری است که می‌توان از این منظر نیز به مباحث فقهی نگریست.

توضیح این مطلب به این شرح است که احکامی که در شریعت وارد شده است از منظر اینکه جنسیت در آن دخالت دارد یا ندارد می‌توان به سه قسم کلی و یک قسم چهارم که نادر است تقسیم کرد:

1. احکام مشترک بین زن و مرد

دسته اول احکامی است که در آنها جنسیت دخالت ندارد و شاید بیش از هشتاد درصد احکام شرع و فقه بین زن و مرد مشترک است. اگر شما کتب موجود فقهی را ملاحظه فرمایید از شروع مباحث که طهارت باشد تا پایان آن که دیات است بالغ بر نود درصد از احکام بین زن و مرد مشترک است –البته از لحاظ کمیت- اما از نظر کیفیت و دامنه مباحث شاید این درصد کمتر باشد؛ اما درهرصورت بخش عمده‌ای از احکام فقهی و در یک دایره وسیع‌تر، مسائل اخلاقی و باز بالاتر از آن، مباحث اعتقادی که در کلام و معارف وجود دارد بین زن و مرد مشترک بوده و جنسیت در آن دخالت ندارد.

1. احکام مختص زن
2. احکام مختص مردان

و قسم چهارم که عرض شد بسیار نادر است مسائل مربوط به خنثی است که احیاناً احکامی هم دارد و همان‌طور که عرض شد این احکام بسیار کم و نادر است.

بنابراین به‌طور کل این احکام از لحاظ ارتباط با جنسیت سه قسم اصلی و یک قسم نادر می‌باشد که در ذیل هر قسم از این احکام هم احکام اجتماعی وجود دارد و هم احکام فردی و به‌طور کل بخشی از این اشتراکات و تفاوت‌ها در همان احکام فردی می‌باشد که در ابواب مختلف فقه وجود دارد.

آنچه عرض شد منظر و نگاه دیگری به مباحث می‌باشد که از این منظر نیز می‌توان احکام را مورد بررسی قرار داد و در این بحث می‌توان به کتاب «الهدی إلی الفرق بین الرّجال و النّساء» که مرحوم سید احمد زنجانی ابوی آیت‌الله شبیری زنجانی نوشته‌اند اشاره کرد که در این کتاب تمام فقه مرور شده و احکامی که در آنها زن و مرد متفاوت هستند بیان نموده‌اند و درواقع قسم دوم و سوم از سطح دهم را در آنجا آورده‌اند و تمام ابواب فقهی را مورد بررسی قرار داده که از بحث طهارت و مسائل مربوط به استبراء و استنجاء شروع می‌شود و تا حدود و دیات و ارث که تفاوت‌های متعددی میان زن و مرد است ادامه دارد.

در این کتاب همه کتاب‌ها مورد تتبع قرار گرفته و بیش از 150 مورد از این اختصاصات در ابواب مختلف فقهی پیدا شده است و احکامی که در آن زن و مرد متفاوت می‌باشند جمع‌آوری کرده‌اند که بیانگر این مطلب است که در همین فقه موجود لااقل 153 مورد وجود دارد که احکام از نوع اول نیست که مشترک بوده و جنسیت در آن دخیل نیست بلکه در این موارد جنسیت دخیل بوده که بخشی از این احکام مختص به رجال است و بخشی مختص به نساء است و درواقع از قسم دوم و سوم می‌باشد و این‌گونه نیست که این احکام الزامی باشد بلکه متشکل از الزامی و غیر الزامی، تکلیفی و وضعی است.

پس ملاحظه فرمودید که در محور دهم منظر جدیدی به فقه حاصل شد که اگر کسی این محور را به‌طور کامل جمع‌آوری کرده و در کنار هم قرار دهد ضمن اینکه بخش بزرگی از آن جزء مشترکات می‌باشد اما اینکه یک فصل مجزا به‌عنوان مفترقات و تمایزهای فقهی حقوقی از نگاه اسلام وجود داشته باشد هیچ تردید و شبهه‌ای در آن وجود ندارد.

البته با دقت و تتبع بیشتر این موارد می‌تواند کمتر یا بیشتر شوند، اما اصل مسئله در نظام فقهی اسلام تردیدی نیست که علاوه بر احکام مشترکه یک احکام مختصه و خاصه‌ای وجود دارد که برای رجال یا نساء می‌باشد و از طهارت شروع شده تا جهاد، دفاع، خرید و فروش و حتی بیع و معاملات مالی (البته کمتر) و در ادامه حدود و دیات و قصاص و ... این احکام وجود دارد.

البته همان‌طور که عرض شد به لحاظ کمی و عددی این تعداد از احکام است که خاصه برای رجال و نساء و یا به عبارتی از مواردی که تمایز و تفاوت فقهی وجود دارد، اما در مقام کیفیت نمی‌توان این‌گونه ارزیابی کرد چراکه وقتی این احکام در حدود یا ارث و دیات وارد می‌شود تفاوت‌ها بسیار عمیق‌تر بوده و دامنه گسترده‌تری دارد و لو اینکه یک گزاره بوده و به لحاظ کمیّت در یک محدوده تمایز حکمی وجود دارد و به همین صورت است این احکام در باب طلاق و نکاح و اختیارات و ... از این جهت است که به این چهار نوع حکم -که سه مورد آن عمده است- باید توجه داشت و این احکام مشترکه و مختصه را نیز باید بدانیم که برخی در مسائل اجتماعی و ارتباطی است و برخی هم مباحث فردی و شخصی است که متفاوت است. به‌عنوان‌مثال احکام دماء که مخصوص زن است و غسل‌های ویژه آنها بحث‌های فردی است، اگرچه گاهی هم جنبه ارتباطی در آن پیدا می‌شود اما بخشی از این احکام مشترک و مختصه فردی است. از نظر حجم و به لحاظ کمّی هم در برابر ده‌ها هزار حکمی که در فقه وجود دارد شاید این احکام چندان به چشم نیاید اما به لحاظ نوعیت و موضوع و محتوا حائز اهمیّت است و این تفاوت به حدّی است که در نظام فقهی و حقوقی و نظام زندگی خانوادگی و اجتماعی تفاوت‌های جدی را ایجاد می‌کند.

این هم منظر دیگری بود که لازم بود این چند نکته در ذیل آن عرض شود.

### سطح یازدهم: فقه العقوبات الجنسیه

یازدهمین محور و مسئله‌ای که در این منظومه‌ای که در فقه عرض شد حائز اهمیت است بحث عقوبت‌ها و مجازات‌های مربوط به مسائل جنسی است که این هم بحث مفصّلی است که در حدود و تعزیرات مطرح شده است.

 در نظام مجازات اسلام و عقوبات و مجازات‌های اسلامی فصول مختلفی وجود دارد از جمله سرقت، قتل و ... و یک فصل مجزّایی از عقوبت‌ها چه در قالب حد و چه در قالب تعزیر مربوط به مسائل جنسی است که این بخش در کتاب حدود امروزه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و از لحاظ تنظیم و تبویب برای آن وجود ندارد.

### جمع‌بندی مقدمه چهارم

همان‌طور که ملاحظه فرمودید در مقدمه چهارم سطوح مختلف مباحث فقهی پیرامون زن، مرد، روابط آنها، احکام آنها و مباحث مربوط به خانواده ارائه شد که حداقل یازده سطح و محور کلی می‌توان برای آن برشمرد.

از این یازده محور برخی از آنها در فقه موجود به صورت مستقل و کامل شکل گرفته و برای آن یک باب و کتاب تعریف شده است –که بخش زیادی از آن از همین قبیل می‌باشد- و بخش‌هایی از آنها نیز این‌گونه نبوده و نیاز به پایه‌ریزی فصل و باب جدید داشته و باید برای آن قدم‌های بیشتر و بهتری برداشته شود. ضمن اینکه در تمام این فصول یازده‌گانه مباحث مستحدثه و جدید و سؤالات نوپدید هم وجود دارد.

به‌طور کل از لحاظ فقهی در مقدمه چهارم یازده محور کلی مطرح شد که بخشی از آن با یکدیگر ارتباط عام و خاص دارند و بخش‌هایی نیز منظر‌های متفاوت و مستقل می‌باشند.

اما نکته‌ای که در جلسه قبل عرض شد این بود که این یازده محور می‌توانند چینش‌های متفاوتی داشته باشند به این بیان که می‌توان تمام این مباحث را در یک کتاب فقهی بزرگ و جامع قرار داد و می‌توان هر کدام را جداگانه فصل‌بندی و باب بندی کرد و به‌طور کل انواع طبقه‌بندی‌ها و چینش‌ها بر اساس همان نکته‌ای که در طبقه‌بندی علوم وجود دارد می‌تواند برای این محورها شکل بگیرد.

### طبقه‌بندی پیشنهادی برای سطوح یازده‌گانه

حال اگر بنا باشد با نگاه واقع‌بینانه‌تری به این سطوح نظمی داده بشود می‌توان این‌گونه پیشنهاد کرد که در این یازده سطح و محور، از محور چهارم تا ششم که مباحث نکاح و روابط زوجین و ... می‌باشد همین کتاب النکاح موجود کفایت می‌کند و تمام این مباحث را پوشش می‌دهد و به‌عبارت‌دیگر تمام این مباحث در کتاب نکاح فعلی وجود داشته و کافی است. البته نواقصی هم در این کتاب وجود دارد که نکاتی را باید بر آن افزود.

و اما محور هفتم که بحث ارحام می‌باشد البته ارحامی که از خانواده اولیه عام‌تر و گسترده‌تر می‌باشد که در این سطح بحث روابط عام خانوادگی مورد بررسی قرار می‌گرفت. این سطح از مباحث این ظرفیت را دارد که یک باب جداگانه و مستقل برای آن تدوین شود.

برای محور هشتم بر خلاف محور قبل نیازی به تدوین باب مجزا و مستقل نیست بلکه هر آنچه که در کتاب فقه موجود وجود دارد پاسخگوی مسائل است و آنچه که در باب طلاق و لعان و ایلاء و به‌طور کل مجموعه مباحثی که پیرامون گسستن پیوند نکاح مطرح شده است کافی است و هیچ داعی برای تغییر این مباحث در فقه فعلی وجود ندارد و این مباحث جایگاه خود را دارند.

محور نهم هم که بحث ارث است و لو اینکه بخش عمده‌ای از مباحث آن در امتداد بحث نکاح قرار می‌گیرد اما منظر ویژه‌ای برای آن وجود دارد که همان بحث جابجایی اموال بعد از موت می‌باشد که یک امر غیر اختیاری است و عمده‌ترین عامل آن همین پیوندهای سببی و نسبی است. این بحث نیز دارای هویت مستقل و کتاب مستقل است که باید در جای خود محفوظ باشد.

سطح دهم از این سطوح یازده‌گانه یک بحث تحلیلی و نگاه عام به فقه است که از منظر عام بیانگر مشترکات و مختصات مرد و زن است که این محور هم نیاز به باب مستقل ندارد و در همین حد تحلیل عام کافی است.

و سطح آخر که مباحث عقوبت‌های جنسی را در برگرفته بود در حدود و تعزیرات مطرح می‌شود خود مستقل است و مشکلی برای آن وجود ندارد.

بنابراین باید گفت از محور چهارم به بعد چند مورد را می‌توان در همین کتاب نکاح فعلی قرار داد و مابقی نیز هر کدام جایگاه خود را در فقه دارند. لکن ملاحظه فرمودید که با چه رویکردی مباحث مرتبط با خانواده و ازدواج در ابواب فقه مطرح شد.

و اما برای محورهای دوم و سوم واقعاً نیاز است که با تعمیمی که از همین فروق هم استفاده می‌شود کتاب و بخش مستقلی در فقه وجود داشته باشد که به احکام ارتباطی زنان و مردان بپردازد که همان احکام اجتماعی است که برای زن و مرد وجود داشته در روابط آنها تأثیرگذار بوده و نیاز به مطالعه فقهی پیرامون آنها است. البته به صورت پراکنده و معدود بخشی از آنها در ضمن کتاب نکاح به صورت استطرادی وارد شده است اما به نظر می‌رسد که این ظرفیت در این مباحث وجود دارد که تحقیق و بررسی بیشتری انجام شده و به صورت یک کتاب مستقل تدوین گردد که مباحث بسیار زیادی همچون اختلاط، تعامل، تعاشر و ... و بسیاری از مسائلی که بین زن و مرد قبل از اینکه علقه نکاحی حاصل شود وجود دارد که همه اینها در این کتاب مستقل می‌گنجد؛ به‌عبارت‌دیگر روابط زن و مرد در منظر عام اجتماعی چگونه باید تنظیم گردد؟ اما هنگامی که در محدوده نکاح و قومیت و ... قرار گرفت از این به بعد مباحثش در کتاب نکاح جای می‌گیرد.

به عبارتٌ أخری از محور چهارم به بعد همه مباحث به نوعی در فقه و کتاب فقهی موجود وجود دارد که می‌توان آن را غنی‌سازی نمود و مسائل جدیدی که پدید آمده است در ضمن آنها گنجاده می‌شود، لکن محورهای دوم و سوم به نظر می‌رسد لازم است که از این حالتی که تاکنون استطراداً بحث می‌شده خارج گردد و به آن استقلال بخشید.

در استفتائات حضرت آقای مکارم حفظه الله تنظیم دقیق و خوبی دارد و بخشی از مباحثی که در سطح دوم و سوم عرض شد در قالب کتاب استفتائی آورده شده است و از این جهت بسیار نزدیک به دسته‌بندی ما است.

#### خلاصه

پس به‌طور خلاصه عرض می‌شود که بعد از اینکه یازده سطح از مباحث مربوط به زن و مرد و خانواده و ازدواج بر شمرده شد و روشن شد که این مباحث به چه صورت در فقه پراکنده شده است، پیشنهاد نهایی این است که:

 محور چهار و پنج و شش به همان صورتی که در باب نکاح وجود دارد باشد و برخی نواقص آن برطرف شود.

محور هفتم که فقه الأرحام است قابلیت استقلال دارد (گرچه می‌توان ذیل احکام نیز قرار گیرد اما استقلال آن ارجح است)

از محور هشتم تا آخر ابواب موجود فقهی به جای خود باقی هستند و نیازی به تغییر و تحول نیست.

این یک پیشنهاد بود و پیشنهاد دیگری نیز می‌توان ارائه نمود که صورت تأسیسی دارد و آن اینکه یک فصل یا کتاب مستقل در رابطه با زن و مرد و ارتباطات و احکام اجتماعی آنها مورد بررسی قرار گیرد، که در حال حاضر به صورت پراکنده در ضمن نکاح یا مقالات و استفتائات و مباحثات مستقل وارد شده است، لکن این ظرفیت برای این بحث وجود دارد که به صورت خاص جایگاهی برای آن ایجاد شود.

این جمع‌بندی عرایض ما در مقدمه چهارم بود.

«بیان این مسئله در اینجا خالی از لطف نیست که مباحث ما در ادامه به همان روال سنّتی انجام خواهد شد لکن به فراخور مباحث بحث‌ها ذکر می‌شود و گفته می‌شود که کدام بحث در کدام فصل و کتاب قرار می‌گیرد چراکه بیان مباحث با این دسته‌بندی‌هایی که عرض شد هم نیازمند فعالیت و کار زیاد است و هم زمان زیادی را به خود اختصاص می‌دهد و چه‌بسا حدود سه سال زمان برای این نوع فصل‌بندی و بیان مباحث صرف شود. اگرچه ارزش بسیاری دارد اما فعلاً آنچه مدنظر است این است که کتاب نکاح به همان شیوه سنّتی شروع شود و هر کجا که بحث استطرادی بود دامنه را گسترش داده و جایگاه آن را در چینش نهایی و فصل‌بندی اصلی مشخص می‌کنیم که نهایتاً در تألیف و تدوین به همان تفکیک خواهیم رسید اما در بیان مباحث و تدریس همان روال عادی را طی خواهیم کرد.»

آنچه عرض شد مقدمه چهارم بود که تصویر جامعی از ابعاد مختلف بحث زن و مرد، خانواده و آنچه که مربوط به ازدواج و خانواده و ... است در یازده محور ارائه شد و نهایتاً برای چینش آن پیشنهادی هم عرض شد.

## مقدمه پنجم

مقدمه بعدی بر خلاف مقدمه چهارم بحث فقهی نیست و عبارت است از اینکه مقوله زن، خانواده، جنسیت و این‌گونه مباحث از آن قسم مقوله‌های بسیار مهمی است که در تمدّن غربی مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته و یکی از جایگاه‌های تفاوت‌های اساسی و اصولی ما با این نظامات غربی در همین حوزه‌ای است که در مقدمه چهارم اشاره شد که به مباحث جنسی، خانواده و زن بازمی‌گردد.

این مسئله از محورهای اساسی تفاوت رویکرد اسلام با آن چیزی است که در عصر جدید و در تمدّن غربی مطرح شده و در دوره رنسانس به این طرف به‌طور ویژه شکل گرفته است و آن تحول فلسفی، اجتماعی و حقوقی که در غرب رخ داد و مبنایی که به‌تدریج به لیبرالیسم ختم شد، یکی از نمودهای اصلی تفکر حس گرایانه و لیبرالیستی همین مباحث زن، خانواده، ازدواج و جنسی می‌باشد؛ و لذا این مباحثی که حداقل در یازده محور قابل مطالعه و بحث است، منظومه این مباحث در حقیقت نوعی تقابل و ارتباط بسیار جدی با همان تحوّل عظیمی که در نظامات غربی شکل گرفته است که بر مبنای زن، خانواده، ازدواج و مسائل جنسی رخ داده است.

اینها مباحثی است که تا حدود زیادی همه آشناییت دارند و نیازی نیست که در این بحث توقف کنیم، اگرچه بحث‌های تفصیلی آن به‌تدریج در ضمن مباحث خواهد آمد.

### نکات محوری در مقدمه پنجم

و اما چند نکته از منظر عمومی در مقدمه پنجم وجود دارد که در ادامه عرض خواهیم کرد:

#### نکته اول

اولین نکته‌ای که در این مقدمه وجود دارد این است که این تحولاتی که در حوزه زن، خانواده و مسائل جنسی رخ داد در پرتو یک تفکّر فلسفی شکل گرفت و آن تفکّری بود که به نحوی از ابتدای رنسانس با نظریات دکارت، کانت، اسوارت میل و دیگران آغاز شد و نهایتاً به مبنای حس‌گرایی، انسان‌گرایی و لیبرالیستی ختم شد که اینها مبانی پایه تفکر فلسفی غرب را شکل داد و همین مبانی پایه در ابعاد و زوایای مختلف خود را نمایان کرد.

 این مباحث زمانی که وارد مباحث زن، خانواده و مسائل جنسی همان مفاهیم اصلی مثل حس‌گرایی، اومانیسم، لذت‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌خواهی و از این قبیل مفاهیم را شکل داد که اینها همان مفاهیم کلیدی فلسفه نوین غربی است که از اصالت انسان، اصالت لذّت، اصالت فرد، اصالت حس شکل گرفته‌اند و اگرچه هر کدام از اینها ده‌ها طیف و مکتب در ذیل هر کدام قرار دارد اما این واژه‌ها، واژه‌های کلیدی فلسفه نوین غرب می‌باشد که همین‌ها دست‌مایه‌ای شد و بر مباحث حوزه زن، جنسیت و امثال اینها پرتو افکند.

این یک مطلب است که از آن نقطه بحث فلسفی به اینجا رسیدند و شرایط اجتماعی و اقتصادی و موارد دیگر نیز به دنبال آن پدید آمد و طی این چهار یا پنج قرن مفاهیم مربوط به جنسیت و لذت‌های جنسی و خانواده و ازدواج و زن و روابط او با دیگران دستخوش تغییر شد که همان‌طور که عرض شد این تغییرات در پرتو همان مفاهیم پایه و مبنایی فلسفی بود.

این تغییر و تحول یک امر تدریجی بود که در قرن نوزدهم اوج گرفت و در قرن بیستم به اوج خود رسید و به‌عنوان نمونه اگر به این کتاب‌ها مراجعه فرمایید ملاحظه خواهید کرد که چند موج فمینیستی بیان می‌شود که مهم‌ترین آن مربوط به دهه‌های آخر قرن بیست می‌باشد که موجی است که پدیده‌های بسیار جدیدی در الگوی خانواده، زیست جنسی و حقوق زن و امثال اینها به وجود آمد که از آن به‌عنوان انقلاب جنسی نام می‌برند و در این انقلاب، آزادی‌های بی حدّ و حصر پدید آمد که اینها بیشتر مربوط به نیمه دوم قرن بیست می‌باشد، البته همان‌طور که عرض شد پایه‌های این حرکت در همان چهار یا پنج قرن گذشته و در همان مباحث بنیادی فلسفی شکل گرفته است که مربوط به هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی است و به‌تدریج امواج آن ایجاد شده و قلمروهای مختلف علمی و فکری و معرفتی و معیشتی بشر را در برگرفت و از جمله همین مباحثی که پیرامون زن، خانواده، ازدواج، جنسیت و ... تحت‌الشعاع قرار داد که به آنها اشاره شد؛ و این امواج به همین ترتیب پیش رفت و بالاترین موج آن در دهه‌های ششم و هفتم از قرن بیستم است که بسیاری از مسائل به هم‌ریخت و گاهی در تصاویر مشاهده فرموده‌اید که حتی در اروپا تا دهه‌های چهارم و پنجم از قرن بیستم بسیاری از خانم‌ها محجبه می‌باشند اما از دهه شصت به بعد تمام اینها فروریخت.

این مطلب و نکته اول در مقدمه پنجم بود که بحث از چگونگی شکل‌گیری مکتب‌های امروز غربی است و عرض شد که از چه زمان شروع شده و موجی ایجاد کرد و به همه قلمروها سرایت کرده و از نظر زمانی هم ادوار مختلفی را طی نمود و به وضع کنونی ختم شد.

#### نکته دوم: نهضت‌های اصلی مباحث جنسیتی

مطلب دیگری که در این مقدمه وجود دارد این است که چند نهضت یا جنبش و یا تحول در قلمرو زن، خانواده و جنسیت و رفتار جنسی و به‌عبارت‌دیگر الگوی رفتار جنسی شاهد هستیم که عمدتاً در دو محور کلی قرار می‌گیرد:

##### محور اوّل: فمینیسم

همان فمینیسم و جنبش‌های فمینیستی است که مباحث مفصلی دارد و با همین عنوان و ترجمه این عنوان مقالات و کتاب‌های فراوانی نوشته شده است که کمابیش همه با آن آشنا هستیم.

فمینیسم یک واژه فرانسوی است که با واژه female مرتبط است و در مورد جنس زن و امثال آن به کار می‌رود؛ به‌عبارت‌دیگر فمینیسم به معنای زن گرایی یا زن‌سالاری و واژه‌های دیگری از این قبیل می‌باشد که می‌توان اینها را معادل فمینیسم قرار داد و روح فمینیسم این است که باید زن را مورد توجه جدیدی قرار داده و حقوق او را احیاء کرد و جایگاه برابر و مساوی با مرد برای او قائل شد. به‌طور کل می‌توان گفت بیشتر پیرامون تساوی گرایی و احقاق حقوق زن و از این قبیل مفاهیم در واژه‌های فمینیسم نهفته است.

این یک جنبش است و نگاه این جنبش به این است که زن در طول تاریخ محروم باقی مانده، عقب نگه داشته و حقوق او در ابعاد مختلف مورد توجه قرار نگرفته است که باید آنها را احیاء کرد. این یک جنبش است که اگر کتاب‌های آنها را مطالعه فرمایید مشاهده می‌کنید که در باب فمینیست و مکاتب فمینیستی حدود 12 مکتب و نظریه در باب فمینیسم بر شمرده شده است –که البته بحث ما در این موارد نیست-.

##### محور دوم: هم‌جنس‌گرایی

جنبش دیگری که در این مبحث وجود دارد و بسیار جدید بوده و مربوط به قرن بیستم است بحث هم‌جنس‌گرایی است که در اینجا دیگر بحثی از زن نیست بلکه بحث از خواسته‌های جنسی و ایجاد حقوق رسمی برای هم‌جنس‌گرایی است، چه در قالب زن و زن یا مرد و مرد.

این یک جنبش دیگری است که فراتر از جنبش قبل می‌باشد و درواقع الگوی ازدواج از ازدواج با جنس مخالف به‌طور کل تغییر کرده است.

آنچه از هم‌جنس‌گرایی به‌عنوان امر ناهنجار مطرح است همیشه در طول تاریخ وجود داشته است؛ اما آنچه که در اینجا به‌عنوان هم‌جنس‌گرایی یا homosexuality مطرح می‌شود این مطلب است که آنچه به‌عنوان ناهنجاری وجود داشت ازاین‌پس هنجار است و به رسمیت شناخته می‌شود که این مبحث امروزه بحث مفصلی شده است که جنبش‌هایی برای آن وجود دارد و قوانینی برای آن قرار داده شده و در بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است و از اساس با تفکر عام –به‌طور عام- و تفکر اسلامی –به‌طور خاص- در تعارض است.

تفاوت این دو جنبش در این است که در محور اول که جنبش فمینیستی بود مسائل جنسی زن یک بخشی از یک مجموعه‌ای است. توضیح مطلب اینکه در آن جنبش صحبت از این است که حقوق زن احیاء شود، برابری و تساوی دنبال شود که این برابری و تساوی در پوشش، سفر، نام، ازدواج، حق رأی، شغل و ... که بیش از ده حق کلیدی است که در فمینیسم دنبال می‌شود و یک بخش از آن مسائل جنسی است؛ اما محور دوم که همان هم‌جنس‌گرایی است بیشتر پیرامون مسائل جنسی و خانواده دنبال می‌شود و فراتر از الگوهای متعارفی است که در تاریخ بشر بوده است و با تأکید بر اینکه آنچه که قبل از این در طول تاریخ ناهنجاری بوده است الان به‌عنوان یک هنجار شناخته می‌شود و رسمیت پیدا می‌کند.

این دو نمود برآمده از آن تفکر فلسفی است که مورد اشاره قرار گرفت و در هر دو بخش مباحثات و تعارضات جدی بین اندیشه اسلامی و این دو نوع جنبش وجود دارد.

#### نکته سوم

مطلب سومی که در مقدمه پنجم باید اشاره کرد این است که هر یک از این دو جنبش فمینیستی و هم‌جنس‌گرایی دارای رتبه‌ها، مراحل، مکاتب و دامنه‌های متفاوتی است که ان‌شاءالله در جلسات آینده عرض خواهد شد.